

## رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده با دلزدگی زناشویی والدین کودکان دبستانی

سرگل شعری<sup>۱</sup>، کریم افشاری نیا<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

<sup>۲</sup> گروه روانشناسی و مشاوره، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده با دلزدگی زناشویی والدین کودکان دبستانی شهر جوانرود در سال ۹۵ صورت گرفته است. پژوهش حاضر یک مطالعه همبستگی است. تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر مرد و ۱۰۰ نفر زن) به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب و داده ها با استفاده از پرسشنامه دلزدگی زناشویی پاینز و پرسشنامه الگوهای ارتباطی (RFCP) جمع آوری گردید. یافته ها با نرم افزار SPSS ۱۶ و به کمک روش آماری ضریب همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج یافته های پژوهش نشان داد که بین الگوهای ارتباطی (مولفه های همنوایی و گفت و شنود) و دلزدگی زناشویی ارتباط معنی داری وجود دارد. خانواده هایی که الگوی ارتباطی آن ها به صورت گفت و شنود است، میزان بالایی از آزادی و راحتی را برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف مهیا می کنند و در تصمیم گیری ها با هم مشارکت دارند. همچنین در خانواده های با هم نوایی بالا، در تعاملات بر همسانی عقاید و نگرش ها تأکید می شود. تعاملات آن ها بر اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل خانواده به هم تکیه دارد.

**واژه های کلیدی:** دلزدگی زناشویی، الگوهای ارتباطی، والدین کودکان دبستانی.

## مقدمه

خانواده یک نهاد اجتماعی است که پایه و اساس ارتباط انسانی را تشکیل می‌دهد و در آن مرد و زن از طریق یک نیروی رمزی ناشی از غریزه، آیین، شعائر و عشق به هم جذب می‌شوند، به طور آزادانه و کامل تسلیم (متعهد) یکدیگر شده تا واحد پویایی را به عنوان خانواده ایجاد نمایند؛ در واقع خانواده را موسسه یا نهاد اجتماعی معرفی کرده اند که ناشی از پیوند زناشویی زن و مرد است. از جمله مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل های سالم و سازنده میان انسان ها و برقرار بودن عشق به هم نوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. خانواده محل ارضای نیازهای مختلف جسمانی و عقلانی و عاطفی است و داشتن آگاهی از نیازهای زیستی و روانی و شناخت چگونگی ارضاء آنها و تجهیز شدن به تکنیک های شناخت تمایلات زیستی و روانی ضرورتی انکارناپذیر می باشد. رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه خواهد شد (ثناگویی، ۱۳۹۳).

دلزدگی نتیجه درگیری طولانی مدت در موقعیت هایی است که از نظر عاطفی و احساسی و جسمی زیادی دارند. چنین موقعیت هایی معمولاً به علت تفاوت زیاد توقعات و واقعیت بروز می کند (پاینز، ۱۳۸۱؛ به نقل از کیانفر، ۱۳۹۱). از دیدگاه اصالت وجودی روان تحلیلی<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) دلزدگی یک حالت تجربه شده خستگی جسمی، عاطفی و روانی است (پاینز و آرون سون، به نقل از پاینز و نانز، ۲۰۰۳) که از عدم تناسب مزمن بین توقعات و واقعیت ناشی می شود (پاینز، ۱۳۸۱؛ به نقل از کیانفر، ۱۳۹۱) دلزدگی زناشویی که مشخصه ی بارز آن ناامیدی و خشم نسبت به همسر و زندگی زناشویی است، به دنبال آگاهی از معایب و نقاط ضعف همسر و این که رابطه ی زناشویی شان آن گونه که انتظار داشته اند پیش نمی رود، پدید می آید (پاینز، ۱۹۹۱).

دلزدگی زناشویی وضعیت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را که توقع دارند عشق رویایی و ازدواج به زندگی شان معنا ببخشد را متاثر می سازد. دلزدگی هنگامی بروز می کند که آنها متوجه میشوند علی رغم تمام تلاش هایشان، رابطه شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (ون پلت، ۲۰۰۴، نانز، ۲۰۰۳؛ پاینز، ۱۳۸۱؛ کیانفر، ۱۳۹۱). دلزدگی زناشویی به علت مجموعه ای از توقعات غیر واقعی از همسر و ازدواج توأم با استرس، واقعیت ها و فراز و نشیب های زندگی بروز می کند (لینگرن، ۲۰۰۴؛ کیانفر، ۱۳۹۱). پاینز (۱۹۹۶) سه علامت بارز دلزدگی را از افتادن جسمی و عاطفی و روانی معرفی می کند. بر خلاف عقیده ی اغلب رویکردهای بالینی که در زوج درمانی استفاده می شود، دلزدگی زوج ها به علت وجود اشکال در یک یا هر دو نفر نیست (بختیار پور و عامری، ۱۳۸۹). روانشناسان دلزدگی زناشویی را به جای این که روی آسیب فرد یا زوج تکیه کند، بر روند درازمدت فروپاشی و تضعیف روابط زناشویی متمرکز می شود که نتیجه تنش های تحمیلی از درون یا بیرون روابط است، به خصوص زمانی که شخص سعی می کند با روابط نزدیکش برای خود، معنا پدید آورد (پاینز، ۱۹۹۱).

خانواده همواره به عنوان مهمترین سیستم انسانی مورد توجه بوده است. واتزلاویک، بیوین و جکسون<sup>۲</sup> (۱۹۶۷)، به نقل از کلارک و شیلدز<sup>۳</sup> (۱۹۹۷، ۱۹۹۷) خانواده را سیستمی قانونگذار تعریف می کنند که اعضای آن به طور مداوم در حال تعریف و تجدیدنظر در تعریف ماهیت روابط خود بر مبنای الگوی ارتباطشان هستند. شناخت این الگوها به شناخت بعضی از جنبه های عملکرد خانواده کمک می کند. در واقع، شناخت انواع مختلف این الگوها و سبک های ارتباطات خانوادگی علاوه بر توصیف، به پیش بینی و توضیح عملکرد خانواده و توصیه ها و تجویز های مربوط به آن هم کمک می کند. در دهه های اخیر پژوهشگران در زمینه ی ارتباط بین فردی توجه ویژه ای به مطالعه و شیوه ی ارتباطات موجود در خانواده داشته اند. یکی از این روابط، روابط بین اعضای خانواده است. خانواده برای ارتباطات انسانی از بسیاری از جهات، بافت منحصر به فردی دارد (فیتز پاتریک،

<sup>۱</sup> Psychoanalytic - existential

<sup>۲</sup> Watzlawick, Bevin & Jackson

<sup>۳</sup> Clark & Shields

۲۰۰۴). طرحواره های ارتباطات خانواده توجه، ادراک، حافظه پیام ها، برداشت های ارتباطی ناشی از رفتارها و پیامد های روانی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهند (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴؛ کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۴).

یکی از راههای نگرستن به خانواده این است که به کانالهای ارتباطی که از طریق آنها به ویژه زن و شوهر باهم تعامل دارند، پرداخته شود. به آن دسته از راه های ارتباطی که به وفور در یک خانواده میباید الگوی ارتباطی و مجموعه این الگوها شبکه ارتباط خانواده را تشکیل میدهند. تحقیقات نشان میدهند که رضایت از زندگی زناشویی بستگی به شیوه های ارتباطی که بین زن و شوهر وجود دارد که به آن دسته از شیوه های ارتباطی که به وفور در یک خانواده می باشد الگوهای ارتباطی زوجین گویند. مطالعات زیادی نشان میدهد که کیفیت ارتباط بین زن و شوهر قویترین پیش بینی کننده رضایت زناشویی است.

کوئرنر و فیتز پاتریک (۲۰۰۲) از نظریه پردازان الگوی ارتباطی خانواده هستند که اظهار داشته اند که اعضای خانواده، مجموعه ای از طرحواره ها را که بر چگونگی ارتباط در خانواده مربوط می شود، تشکیل می دهند. این طرحواره ها همان الگوهای ارتباطی خانواده هستند که مبنای شناختی دارند و منجر به شکل گیری رفتارهای ارتباطی خاص می گردند. الگوی ارتباطی خانواده بیان گر میزان آزادی در صحبت کردن پیرامون حوادث، افار و هیجانات است (استو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). فیتز پاتریک و ریچی (۱۹۹۴) در تشریح مدل الگوهای ارتباطی دو جهت گیری گفت و شنود و هم نوایی را به عنوان باورهای اساسی تعیین کننده ی الگوهای ارتباطی خانواده مفهوم سازی کرده اند. این دو بعد اساسی بیان می کنند که چگونه خانواده ها با هم تعامل دارند و چه طور بر اساس تعاملاتشان از یکدیگر متمایز می گردند و چگونه تعاملات درون خانواده با نتایج و کارکردهای خاص و اساسی خانواده و فرد ارتباط دارد. الوود و شرادر<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) معتقدند که ابعاد جهت گیری گفت و شنود و جهت گیری هم نوایی تشخیص واقعی رفتارهای ارتباطی بین اعضای خانواده است. به طور کلی جهت گیری گفت و شنود رابطه ای مثبت و جهت گیری هم نوایی رابطه ای منفی است. تحقیقات نشان داده اند که جهت گیری گفت و شنود دارای پیامدهای مثبت فردی اجتماعی برای اعضای خانواده و جهت گیری هم نوایی در بیشتر اوقات دارای پیامدهای منفی است. والدین خانواده های دارای جهت گیری گفت و شنود زیاد به فرزندان خود و آن چه که بیان می کنند علاقه دارند، برای آن ها اهمیت قائل هستند و از آن ها حمایت می کنند (هلسن، ولبرگ و میوس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش زمانی (۱۳۹۲) تحت عنوان رابطه بین بلوغ عاطفی و الگوهای ارتباطی زوجین با دزدگی زناشویی معلمان متأهل مقطع ابتدایی شهرستان لامرد حاکی از آن است که الگوهای ارتباطی خانواده با دزدگی زناشویی رابطه وجود دارد. روانشناسان دزدگی زناشویی را به جای این که روی آسیب فرد یا زوج تکیه کند، بر روند درازمدت فروپاشی و تضعیف روابط زناشویی متمرکز می شود که نتیجه تنش های تحمیلی از درون یا بیرون روابط است، به خصوص زمانی که شخص سعی می کند با روابط نزدیکش برای خود، معنا پدید آورد (پاینز، ۱۹۹۱). از طرف دیگر دزدگی زناشویی آنجایی اتفاق می افتد که روابط فرد با شخص یا اشخاص دیگر نسبت به همسر خودش صمیمی تر است. در پژوهش هنرپروران و قادری (۱۳۹۰) با عنوان مقایسه الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات زناشویی بین زنان شاغل و خانه دار به این نتیجه دست یافتند که زنان شاغل بیشتر از الگوی ارتباطی سازنده متقابل و زنان دار بیشتر از الگوی ارتباطی اجتناب متقابل استفاده میکنند. در زمینه تعارضات زناشویی هم زنان شاغل در خرده مقیاس جداکردن امور مالی از یکدیگر تعارض بیشتری دارند و زنان دار در خرده مقیاس های افزایش جلب حمایت فرزندان و واکنشهای هیجانی تعارض بیشتری دارند. در صورت توجه به عوامل موثر بر دزدگی زناشویی می توان انتظار داشت که با کاهش سطح دزدگی زناشویی بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده و در کل جامعه کاهش یابد؛ همچنین با کاهش سطح دزدگی زناشویی و افزایش رابطه زناشویی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در حوزه ی شغلی خود خواهند پرداخت و خانواده ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد (امانی، ۱۳۹۱). بر اساس آمارهای موجود دو سوم جدایی و طلاق به علت عدم توافق زوجین بر سر مسائل زناشویی و عدم رضایت از روابط زناشویی است (نوید، ۱۳۸۲) که

<sup>1</sup> Stow<sup>2</sup> Elwood & Schrader<sup>3</sup> Hillesden, Vollebergh & Meuse

منجر به دزدگی زناشویی می‌گردد. از اینرو از نتایج این تحقیق می‌توان به عنوان عاملی هم برای پیشگیری و هم درمان استفاده کرد. بنابراین، این تحقیق به دنبال این مسئله است که آیا الگوهای ارتباطی با دزدگی زناشویی والدین کودکان دبستانی شهر جوانرود رابطه دارند؟

## روش

پژوهش حاضر باتوجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا توصیفی از نوع همبستگی است. متغیرهای پژوهش عبارتند از: متغیر پیش بین: ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای ارتباطی، متغیر ملاک: دزدگی زناشویی، متغیر کنترل: جنسیت. در این پژوهش جامعه آماری کلیه والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر جوانرود هستند که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ مشغول به تحصیل می‌باشند که تعداد کل جامعه آماری ۳۸۰۰ نفر پسر و ۳۷۰۰ نفر دختر می‌باشد. نمونه این پژوهش مشتمل بر ۲۰۰ نفر از والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی (۱۰۰ نفر مرد و ۱۰۰ نفر زن) بودند که برای انتخاب آنها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. ابتدا لیست تمام مدارس ابتدایی شهر جوانرود را تهیه کرده و سپس به صورت تصادفی چند مدرسه را از بین آنها انتخاب و والدین دانش‌آموزان را انتخاب و سپس از بین چند مدرسه یک مدرسه را به صورت تصادفی انتخاب کردیم. تعداد خوشه‌های صرفه جویی در وقت و هزینه و جلوگیری از پراکنده بودن نمونه‌های انتخاب شده در سطح شهر یا منطقه است.

## ابزار گردآوری اطلاعات

۱) پرسشنامه دزدگی زناشویی: مقیاس دزدگی زناشویی یک ابزار خودسنجی است که توسط پاینز (۱۹۹۶) با هدف اندازه‌گیری درجه دزدگی زناشویی در بین زوجین ساخته شد. این پرسشنامه شامل ۲۱ ماده است که سه مؤلفه‌ی از پا افتادگی جسمی (خستگی، سستی و اختلال خواب)، از پا افتادگی عاطفی (افسردگی، ناامیدی و در دام افتادن) و از پا افتادگی روانی (بی‌ارزشی، سر خوردگی و خشم نسبت به همسر) را می‌سنجد. ۱۷ ماده آن شامل عبارت‌های منفی مانند خستگی، ناراحتی و بی‌ارزش بودن و ۴ ماده آن شامل عبارات مثبت مانند خوشحال و پر انرژی بودن است. نمره گذاری این مقیاس در یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) می‌باشد که آزمودنی تعداد دفعات اتفاق افتاده موارد مطرح شده در رابطه‌ی زناشویی خود را مشخص می‌سازد. نمره گذاری ۴ ماده نیز به صورت معکوس انجام می‌شود. برای به دست آوردن نمره دزدگی زناشویی فرد مجموع نمره به دست آمده از ۲۱ سؤال مقیاس را بر عدد ۲۱ تقسیم کرده حاکمی از میزان دزدگی زناشویی فرد است که نمره بالاتر آزمودنی در این مقیاس نشانه دزدگی بیشتر می‌باشد.

ضریب پایایی مقیاس با روش باز آزمایی در یک دوره‌ی یک ماهه برابر ۰/۷۶ محاسبه شد. همچنین پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ محاسبه شده است (پاینز، ۱۹۹۸؛ به نقل از شاداب، ۱۳۸۱). در پژوهش‌های دیگر نیز ضریب پایایی مقیاس با روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ محاسبه شده است. روایی این مقیاس به وسیله‌ی محاسبه همبستگی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند نظر مثبت در مورد یک رابطه، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه‌ی جنسی با همسر، به طور معنی‌داری گزارش شده است. این مقیاس به صورت موفقیت‌آمیزی در مطالعات مختلف در کشورهای نروژ، مجارستان، فنلاند، اسپانیا، پرتغال و مکزیک مورو استفاده قرار گرفته است (پاینز و نانز، ۲۰۰۳، لیز و لیز، ۲۰۰۱؛ به نقل از نویدی، ۱۳۸۴). نعیم (۱۳۸۷) در پژوهش خود پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۲ محاسبه نموده است.

## ۲) پرسشنامه‌ی تجدید نظر شده‌ی الگوهای ارتباطی خانواده<sup>۱</sup> (RFCP)

بای تعیین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده یا به عبارت دیگر، ابعاد جهت‌گیری گفت و شنود و جهت‌گیری هم‌نوایی، از نسخه فرزندان، ابزار تجدید نظر شده الگوهای ارتباطی خانواده (کوئرتر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲) استفاده شد. این ابزار یک پرسشنامه‌ی

<sup>۱</sup> Revised Family Communication Patterns

خود سنجی است که از میزان موافقت یا موافقت نکردن پاسخ دهنده، با استفاده از ۲۶ گزاره که درباره ی وضعیت ارتباطات خانواده او هستند، در دامنه ای ۵ درجه ای، سوال می کند. نمره (۴) معادل کاملاً موافقم و نمره (۰) معادل کاملاً مخالفم است. ۱۵ گزاره نخست مربوط به جهت گیری گفت و شنود و ۱۱ گزاره بعدی مربوط به جهت گیری هم نوایی است؛ بنابراین، هر آزمودنی دو نمره از این ابزار به دست می آورد. نمره بیشتر در هر مقیاس به این معناست که آزمودنی چنین ادراک می کند که در خانواده او جهت گیری گفت و شنود یا جهت گیری هم نوایی بیشتری وجود دارد.

در پژوهش طاهری، زندی قشقایی و هنرپروران، ۱۳۹۱ ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برای جهت گیری گفت و شنود ۰/۹۲ و برای جهت گیری هم نوایی ۰/۸۹ به دست آمده است. جوکار و رحیمی (۱۳۸۶) پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ برای جهت گیری گفت و شنود ۰/۸۷ (دامنه ی ۰/۸۴ تا ۰/۹۲) و برای جهت گیری هم نوایی ۰/۷۹ (دامنه ی ۰/۸۴ تا ۰/۷۳) ذکر کرده اند. کوروش نیا (۱۳۸۵) پایایی این ابزار را با استفاده از آلفای کرونباخ برای جهت گیری گفت و شنود ۰/۸۷ و برای جهت گیری هم نوایی ۰/۸۰ ذکر کرده است که همگی نشان از دقت بالای این ابزار می باشد (کوئرنر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). این پرسشنامه را از هر سه دیدگاه محتوایی، ملاکی سازه را دارای روایی مطلوبی می دانند. در ایران نیز کوروش نیا (۱۳۸۵) با استفاده از روش تحلیل عاملی و همسانی درونی، روایی مطلوبی را برای ابزار گزارش نموده است. کشتکاران (۱۳۸۸) میزان پایایی کل به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ و برای خرده مقیاس گفت و شنود ۰/۸۷ و برای خرده مقیاس هم نوایی ۰/۸۳ به دست آورده است. هم چنین بعد از تکرار آزمون با میزان پایایی بازآزمایی ۰/۹۰ برای کل مقیاس، برای بعد هم نوایی ۰/۸۷ و برای بعد گفت و شنود برابر با ۰/۹۷ بود. در پژوهش دهقانی زاده و حسین چاری (۱۳۹۱) برای محاسبه ایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است که ضریب پایایی برای جهت گیری هم نوایی و جهت گیری گفت و شنود به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۷۹ محاسبه شده است. در پژوهش شهرکی ثانوی، نویدیان، انصاری مقدم و فرجی شوی (۱۳۹۱) نسبت روایی محتوایی (SVR) ۰/۶۹ و شاخص روایی محتوایی (CVI) ۰/۸۸ و پایایی ابزار با میانگین آلفای کرونباخ ۰/۸۰ در بعد جهت گیری گفت و شنود و در بعد جهت گیری م نوایی ۰/۸۷ به دست آمده است و ضریب پایایی ابزار به روش باز آزمایی نیز در بعد جهت گیری گفت و شنود ۰/۸۹ و در بعد جهت گیری هم نوایی ۰/۸۸ به دست آمده است.

### روش های آماری تجزیه و تحلیل داده ها

برای پاسخگویی به پرسش های پژوهش حاضر، داده های جمع آوری شده به وسیله نرم افزار آماری SPSS از دو جنبه توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار می گیرد؛ در بُعد توصیفی، شاخص های آماری که محاسبه می شود، عبارتند از: فراوانی، درصد، درصد تجمعی، میانگین و انحراف معیار و در بُعد استنباطی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

### یافته ها

جدول ۱- توزیع فراوانی جنسیت آزمودنی های پژوهش

شاخص های آماری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مرد	۱۰۰	۴۳/۳	۵۰
زن	۱۰۰	۴۳/۳	۱۰۰
کل	۲۰۰	۸۶/۶	

جدول (۱) توزیع فراوانی جنسیت آزمودنی های پژوهش را نشان می دهد. تعداد ۱۰۰ نفر را مردان یعنی ۴۳/۳ درصد و تعداد ۱۰۰ نفر را زنان یعنی ۴۳/۳ درصد تشکیل می دهد.

## جدول ۲- توزیع فراوانی طبقات سنی آزمودنی های پژوهش

شاخص های آماری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۲۰-۲۵ سال	۲۸	۱۲/۱	۱۴
۲۵-۳۰ سال	۳۰	۱۳/۰	۲۹
۳۰-۳۵ سال	۵۰	۲۱/۶	۵۴
۳۵-۴۰ سال	۶۸	۲۹/۴	۸۸
۴۰-۴۵ سال	۲۴	۱۰/۴	۱۰۰
کل	۲۰۰	۸۶/۶	

جدول ۲- توزیع فراوانی مربوط به طبقات سنی آزمودنی های پژوهش را نشان می دهد. تعداد ۲۸ نفر در رده سنی ۲۰ تا ۲۵ سال یعنی ۱۲/۱ درصد، تعداد ۳۰ نفر در رده سنی ۲۵ تا ۳۰ سال یعنی ۱۳ درصد، تعداد ۵۰ نفر در رده سنی ۳۰ تا ۳۵ سال یعنی ۲۱/۶ درصد، تعداد ۶۸ نفر در رده سنی ۳۵ تا ۴۰ سال یعنی ۲۹/۴ درصد و تعداد ۲۴ نفر در رده سنی ۴۰ تا ۴۵ سال یعنی ۱۰/۴ درصد را نشان می دهد.

## جدول ۳- توزیع فراوانی سطح تحصیلات آزمودنی های پژوهش

شاخص های آماری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
سیکل	۸	۳/۵	۴
دیپلم	۴۶	۱۹/۹	۲۷
کاردانی	۵۸	۲۵/۱	۵۶
کارشناسی	۷۰	۳۰/۳	۹۱
کارشناسی ارشد	۸	۳/۵	۹۵
دکتر	۱۰	۴/۳	۱۰۰
کل	۲۰۰	۸۶/۶	

جدول ۳- توزیع فراوانی مربوط به سطح تحصیلات آزمودنی های پژوهش را نشان می دهد. تعداد ۸ نفر در سطح تحصیلی سیکل یعنی ۳/۵ درصد، تعداد ۴۶ نفر در سطح دیپلم یعنی ۱۹/۹ درصد، تعداد ۵۸ نفر در سطح کاردانی یعنی ۲۵/۱ درصد، تعداد ۷۰ نفر در سطح کارشناسی یعنی ۳۰/۳ درصد، تعداد ۸ نفر در سطح کارشناسی ارشد یعنی ۳/۵ درصد و تعداد ۱۰ نفر در سطح تحصیلی دکتری یعنی ۴/۳ درصد را نشان می دهد.

## جدول ۴- توزیع فراوانی تعداد فرزندان آزمودنی های پژوهش

شاخص های آماری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
یک فرزند	۲۷	۱۱/۷	۱۳/۵
دو فرزند	۷۸	۳۳/۸	۵۲/۵
سه فرزند	۴۸	۲۰/۸	۷۶/۵
چهار فرزند	۲۴	۱۰/۴	۸۸/۵
پنج فرزند	۲۳	۱۰	۱۰۰
کل	۲۰۰		

جدول (۴) توزیع فراوانی تعداد فرزندان آزمودنی های پژوهش را نشان می دهد. تعداد ۲۷ نفر دارای یک فرزند یعنی ۱۱/۷ درصد، تعداد ۷۸ نفر دارای دو فرزند یعنی ۳۳/۸ درصد، تعداد ۴۸ نفر دارای سه فرزند یعنی ۲۰/۸ درصد و تعداد ۲۴ نفر دارای چهار فرزند ۱۰/۴ درصد و تعداد ۲۳ نفر دارای پنج فرزند یعنی ۱۰ درصد را تشکیل می دهد.

جدول ۵- توزیع فراوانی وضعیت اشتغال آزمودنی های پژوهش

شاخص های اماری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خانه دار	۴۰	۱۷/۳	۲۰
خیاط	۲۰	۸/۷	۳۰
کشاورز	۲۰	۸/۷	۴۰
معلم	۷۰	۳۰/۳	۷۵
کارمند	۵۰	۲۱/۶	۱۰۰
کل	۲۰۰	۸۶/۶	

جدول (۵) توزیع فراوانی وضعیت اشتغال آزمودنی های پژوهش را نشان می دهد. تعداد ۴۰ نفر را خانه دار، ۲۰ نفر خیاط، ۲۰ نفر کشاورز، ۷۰ نفر معلم و ۵۰ نفر را کارمند تشکیل می دهد.

جدول ۶- شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

شاخص های اماری	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
دلزدگی زناشویی	مرد	۱۰۰	۴/۰۵۹	۰/۵۶۷
	زن	۱۰۰	۳/۹۶	۰/۵۲۲
الگوهای ارتباطی	مرد	۱۰۰	۴/۰۱۲	۰/۵۲۳
	زن	۱۰۰	۳/۸۷	۰/۴۳۸

جدول شماره (۶) نشان دهنده شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش است. با توجه به این جدول در متغیر دلزدگی زناشویی، میانگین برای دو گروه به ترتیب ۴/۰۵۹ و ۳/۹۶ و همچنین میانگین دو گروه در متغیر الگوهای ارتباطی به ترتیب ۴/۰۱۲ و ۳/۸۷ می باشد؛ و انحراف استاندارد آنها به ترتیب ۰/۵۶۷، ۰/۵۲۲، ۰/۵۲۳ و ۰/۴۳۸ می باشد.

جدول ۷- نتیجه آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی

متغیر	همنوایی	گفت و شنود	دلزدگی زناشویی
همنوایی	۱		
همبستگی			
سطح معناداری			
تعداد	۲۰۰		
گفت و شنود	۰/۶۵۷**	۱	
همبستگی			
سطح معنی داری	۰/۰۰۰		
تعداد	۲۰۰	۲۰۰	
دلزدگی زناشویی	۰/۱۴۰**	۰/۲۷۶**	۱
همبستگی			
سطح معنی داری	۰/۰۴۸	۰/۰۰۰	
تعداد	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰

\* P&lt;0/0۵

\*\* P&lt;0/01

همانگونه که در جدول (۷)، مشاهده می شود، در بررسی رابطه بین الگوهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی، مقدار ضریب همبستگی دلزدگی زناشویی با مولفه ی همنوایی ۰/۱۴۰ و سطح معنی داری ۰/۰۴۸ و مقدار ضریب همبستگی مولفه ی گفت و شنود ۰/۲۷۶ و سطح معنی داری ۰/۰۰۰ می باشد. با توجه به این که سطح معنی داری در مولفه همنوایی  $P<0/0۵$  و سطح معنی داری مولفه ی گفت و شنود  $P<0/01$  است لذا فرض صفر رد شده و فرضیه تحقیق مورد تایید قرار میگیرد. به عبارتی دیگر بین الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی ارتباط معنی داری وجود دارد.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج یافته های پژوهش نشان داد که بین الگوهای ارتباطی (مولفه های همنوایی و گفت و شنود) با دلزدگی زناشویی ارتباط معنی داری وجود دارد. به طوی که نتایج این پژوهش با نتایج (رحیمی و خیر، ۱۳۸۸)، باباخانی گرمخانی، مدنی و غلامعلی لواسانی (۱۳۹۲)، زمانی (۱۳۹۲)، پژوهش نادری، افتخار و آملازاده (۱۳۸۹)، ثناگویی (۱۳۹۳)، هنرپروران و قادری (۱۳۹۰)، فاتحی زاده و احمدی (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

تحقیقات نشان داده اند که جهت گیری گفت و شنود دارای پیامدهای مثبت فردی اجتماعی برای اعضای خانواده و جهت گیری هم نوایی در بیشتر اوقات دارای پیامدهای منفی است. والدین خانواده های دارای جهت گیری گفت و شنود زیاد به فرزندان خود و آن چه که بیان می کنند علاقه دارند، برای آن ها اهمیت قائل هستند و از آن ها حمایت می کنند (هلسن، ولبرگ و میوس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). خانواده هایی که الگوی ارتباطی آن ها به صورت گفت و شنود است، میزان بالایی از آزادی و راحتی را برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف مهیا می کنند و در تصمیم گیری ها با هم مشارکت دارند. این خانواده ها زمان زیادی را جهت ارتباط متقابل و بحث درباره ی موضوعات مختلف صرف می کنند. اعضای خانواده، تمام فعالیت های فردی، افکار و احساساتشان را با هم در میان می گذارند و در تصمیم گیری ها مشارکت دارند. خانواده های با گفت و شنود بالا به طور معمول ارتباطاتی باز در خانواده ایجاد می کنند. آن ها مخالفت ها و ابراز احساسات را تشویق می کنند که این امر لذت از ایجاد ارتباطات با و وسیع با دیگران و درگیر شدن در این ارتباطات را به دنبال دارد (رحیمی و خیر، ۱۳۸۸).

خانواده هایی با الگوی هم نوایی، بیشتر به نقش یکسان سازی نگرش ها، ارزش ها و عقاید تأکید دارند و از کشمکش و تعارضات دوری می کنند و بر همبستگی خانواده با یکدیگر تأکید دارند. در مجموع ارتباط در این نوع خانواده ها منعکس کننده ی اطلاعات از والدین و بزرگسالان می باشد. در خانواده های با هم نوایی بالا، در تعاملات بر همسانی عقاید و نگرش ها تأکید می شود. تعاملات آن ها بر اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل خانواده به هم تکیه دارد. ارتباطات بین دو نسل در این خانواده ها منعکس کننده ی حرف شنوی از والدین و دیگر بزرگسالان است؛ بنابراین، اختلاف نظر با والدین، می تواند موجب ایجاد تعارضاتی جدی در این خانواده ها گردد. در خانواده های با هم نوایی زیاد، اعضای خانواده تشویق می شوند خود را با در نظر گرفتن عضویتشان در خانواده تعریف کنند (رحیمی و خیر، ۱۳۸۸). پژوهش ها نشان داده اند که بعد هم نوایی در بیشتر اوقات دارای پیامدهای منفی است.

عشق رویایی شعله ابدی نیست که اگر به این شعله سوخت اضافه نشود دیر یا زود خاموش خواهد شد. شروع دلزدگی به ندرت از یک پدیده ناگوار یا ناراحت کننده ناشی می شود (پاینز، ۱۳۸۱؛ به قل از کیانفر، ۱۳۹۱). زوج هایی که از رضایت از زندگی برخوردارند بیان می کنند که در همه اوقات زندگی درباره چیزی با همسرشان صحبت می کنند. درحالی زوج های گرفتار دلزدگی زناشویی لیست طولی از موضوعاتی دارند که تا به حال راجع به آن صحبت نکرده اند و مشکلات را بیشتر با دوستان و یا فرزندانیشان در میان می گذارند مکالمات آنها کوتاه مدت است و به زمان های خاصی مثل وقت صرف شام محدود می شود. ۲۰ دقیقه روزانه صحبت کردن در محیطی آرام آن هم بیشتر حول و حوش موضوعات خوشایند و زمانی هم برای مشکلات

<sup>1</sup> Hillesden, Vollebergh & Meuse



آزاردهنده و رنجش آور می تواند به پیشگیری از دلزدگی کمک کند جملات را با واژه من شروع کردن نه با واژه تو، در هنگام وجود تعارض نوشتن یک نامه به همسر را باید در نظر گرفت. جنبه های مثبت از جمله روابط خوب با سایر افراد خانواده، دوستان و همکاران، حمایت بدون قید و شرط در زمان بروز مشکل از همسر، بازخورد مثبت در نتیجه انجام کارها، خود جوشی و خانه ای که راحت، خوشایند و متناسب با نیازها و علایق و سلیقه شخص طرفین باشد، بوسیدن عاشقانه حداقل ۲۰ ثانیه در دو نوبت، خوردن صبحانه با هم قبل از بیدار شدن فرزندان، هر شب ۳۰ دقیقه بعد از به خواب رفتن فرزندان با هم بودن و صحبت کردن در آغوش گرفتن همسر همگی می تواند مانع بروز دلزدگی شوند (پاینز، ۱۹۹۶؛ برن بالت، ۲۰۰۴). بر خلاف عقیده ی اغلب رویکردهای بالینی که در زوج درمانی استفاده می شود، دلزدگی زوج ها به علت وجود اشکال در یک یا هر دو نفر نیست (بختیار پور و عامری، ۱۳۸۹). روانشناسان دلزدگی زناشویی را به جای این که روی آسیب فرد یا زوج تکیه کند، بر روند درآمدت فروپاشی و تضعیف روابط زناشویی متمرکز می شود که نتیجه تنش های تحمیلی از درون یا بیرون روابط است، به خصوص زمانی که شخص سعی می کند با روابط نزدیکش برای خود، معنا پدید آورد (پاینز، ۱۹۹۱). از طرف دیگر دلزدگی زناشویی آنجایی اتفاق می افتد که روابط فرد با شخص یا اشخاص دیگر نسبت به همسر خودش صمیمی تر است. رازهای شخصی با اشخاص دیگر تقسیم می شوند. فرد بیشتر کارها را با دیگران انجام می دهد و بیشتر وقتش را با دیگران نسبت به همسرش می گذراند. فرد گرایش دارد که به دیگران بیشتر از همسرش فکر کند و ممکن است حتی در مورد ازدواج با آن ها خیال پردازی کند. فرد از اشخاص دیگر حمایت می کند در حالی که انجام آن را برای همسرش متوقف کرده است. به طور خلاصه هر شخص دیگری در مقایسه یا همسرش، صمیمی ترین دوستش است، این پدیده دلزدگی است (لی، ۲۰۰۹). طبق نتایج پژوهش های مختلف و پیشینه نظری الگوهای ارتباطی (همنوايي و گفت و شنود) و دلزدگی زناشویی، ارتباط این دو متغیر منطقی به نظر می رسد. همچنین هنگام اجرای این پژوهش محدودیتهایی وجود داشت از جمله این محدودیت ها: این پژوهش فقط بر روی والدین کودکان دبستانی انجام شده لذا این پژوهش برای تعمیم به کل جامعه از اعتبار کافی برخوردار نیست. پیشنهاد می شود که مطالعه ای انجام شود تا با تعیین جنبه های مؤثر بر کاهش دلزدگی زناشویی بدانیم کدامیک از عوامل تأثیر بیشتری بر زندگی زناشویی زوجین دارد. در حالی که تحقیقات فراوانی تأثیر این عوامل را مشخص کرده ولی بالاخص قدرت نسبی این عوامل در کاهش دلزدگی زناشویی به خوبی شناخته شده نیست. اگر چه پژوهش حاضر به درک روابط الگوهای ارتباطی زوجین یاری می کند، اما ابعاد و چگونگی این تأثیر نیازمند بررسی های طولی است، چرا که بررسی های مقطعی تنها برش هایی از واقعیت مسجل می سازند و برای دریافت عمیق تر، بررسی دراز مدت نقش پیش بینی کنندگی این عوامل بر دلزدگی زناشویی، ضروری به نظر می رسد.

## منابع

۱. امانی، عباس. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بررسی رابطه سلامت عمومی و عوامل فردی- خانوادگی با فرسودگی زناشویی در کارکنان اداره های دولتی شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۲. بابایی گرمخانی، محسن و مدنی، یاسر و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۲). بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آن ها در پیش بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق، دوفصلنامه مشاوره کاربردی، ۸۴-۶۷ (۱) ۴.
۳. ثناگویی، محمد. (۱۳۹۳). رابطه الگوهای ارتباطی زنان و مردان با توجه به پایبندی مذهبی و رضامندی زناشویی در روابط زوجین، مجله روانشناسی و دین، سال ششم، شماره اول
۴. زمانی، عاطفه (۱۳۹۲). رابطه بین بلوغ عاطفی و الگوهای ارتباطی زوجین با دلزدگی زناشویی معلمان متأهل مقطع ابتدایی شهرستان لامرد، کارشناسی ارشد، چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرو دشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

۵. فاتحی زاده، مریم و احمدی، سید احمد. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان، فصلنامه خانواده پژوهی، سال اول، شماره ۲، ۱۰۹-۱۲۰.
6. Clark, R. D. & Shields, G. (1997). Family communication and Delinquency. *Academic search premier*, 32, 125
7. Fitzpatrick, M. A. & Ritchie, L. D. (1994). *Communication Research*, 20, 275-301.
8. Fitzpatrick, M.A. (2004). The family communication pattern theory: Observation on its development and application, *The journal of family Communication*, 4, 167-179
9. Koerner, A.F. & Fitzpatrick M.A. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: the roles of conversation orientation and conformity orientation. *Communication yearbook*, 28, 36-68

# The Relationship between Family Communication Patterns and Marital Burnout of Parents of School Age Children

Sargol She'ri<sup>1</sup>, Dr. Karim Afsharina<sup>2</sup>

1. *Department of Psychology and Counseling, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Branch of Kermanshah, Kermanshah, Iran*

2. *Department of Psychology and Counseling, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Branch of Kermanshah, Kermanshah, Iran*

---

## Abstract

This study aims to investigate the relationship between family communication patterns and marital burnout of parents of school age children in the city of Javanrood in 2016. This is a correlational study with a total of 200 parents (100 males and 100 females) selected as the sample size using cluster sampling method and the required data collected using Pines' Marital Burnout Scale and revised Family Communication Pattern (RFCP). The data were then analyzed using SPSS 16 and Pearson correlation coefficient. Research findings showed that there is a significant relationship between the communication patterns (components of harmony and dialogue) and marital burnout. Families with communication patterns in the form of dialogue provide a high degree of freedom and comfort for family members to participate in a variety of topics and in decision-making. Consistency of opinions and attitudes is emphasized in families with high conformity or harmony, with their interaction focusing on interdependence of the family members and avoidance of conflict.

**Keywords:** marital burnout, communication patterns, parents of school age children.

---